

نقد روایات تأویل‌گر قرآن در اثبات امامت ائمه اطهار (ع) با تکیه بر آیه ۳۶ توبه

علی غلامی دهقی*

چکیده

امامت ائمه دوازده‌گانه از باورهای اصلی شیعه امامیه است. این عقیده مستند به مبانی عقلی، آیات و روایات است. در این میان برخی علمای شیعه با استناد به روایاتی اندک به تأویل آیه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا...» پرداخته‌اند تا برای اثبات دوازده‌گانه بودن امامان شیعه استفاده نمایند. آنان «سال» را به رسول خدا (ص)، «شهور اثنا عشر» را به ائمه دوازده‌گانه و «اربعه حرم» را به چهار امامی که نامشان علی (ع) است، تأویل کرده‌اند. امروزه نیز برخی با استناد به همین روایات درباره «امامان دوازده‌گانه در قرآن» دست به تألیف زده‌اند. این تأویل‌های نامناسب و پیچیده این باور مهم و اساسی شیعه را با آسیب مواجه می‌سازد. در این مقاله سند روایات مزبور و منابع آنها بررسی شده و با اثبات عدم اعتبار برخی از آنها، ضعف سند، عدم تطابق با مبانی عقلانی و بهره‌نجستن مفسران و متکلمان بزرگ شیعه از تأویل آیه فوق، بی‌نیازی اثبات امامت از چنین تأویل‌هایی مشخص شده است.

واژگان کلیدی

آیه ۳۶ توبه، امامت، تأویل آیات، ماه‌های دوازده‌گانه، ماه‌های حرام، امامان دوازده‌گانه.

ali_gho_d@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۵

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۳

طرح مسئله

مسئله امامت در طول تاریخ کلام اسلامی از چالشی‌ترین مباحث میان اندیشمندان مسلمان بوده است. به گفته شهرستانی (م. ۵۴۸ ق) «أعظم خلاف بین الأمة خلاف الإمامة؛ یعنی بزرگ‌ترین اختلاف در میان امت اسلامی، اختلاف در امامت بوده است.» (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱ / ۳۱) هر یک از فرق و مذاهب اسلامی برای اثبات مدعای خود دلایل و مستندات آورده‌اند. یکی از استنادهای آنان تمسک به آیات قرآن به‌خصوص تأویل قرآن است. واژه تأویل یک اصطلاح در علوم قرآنی و از واژه‌های کلیدی قرآن است که ۱۷ بار در آن به کار رفته است. با اینکه این واژه در قرآن به معانی متعددی به کار رفته، یکی از معانی آن کشف باطنی و مرموز است. (خرمشاهی ۱۳۸۱: ۱ / ۴۶۸) در اینکه برخی آیات قرآن ظاهر و باطنی دارند، تردیدی نیست، اما این که تأویل و تفسیر باطنی چگونه و چه شرایطی دارد، خود بحث مفصلی است. در طول تاریخ اسلام پیروان فرق و مذاهب اسلامی آیات قرآن را موافق مذهب خود تأویل کرده‌اند. نمونه بارز آن تأویلات باطنیان به‌خصوص ناصر خسرو در کتاب وجه دین است. این کتاب که دارای ۵۱ گفتار است، بیش از نیمی از آن به تأویل اختصاص دارد. او حتی آیات الاحکام قرآن را نیز تأویل کرده است. (ناصر خسرو، ۱۳۸۴: ۵۱) به عقیده نگارنده تأویل در قرآن در مواردی مانند اینکه معنای ظاهری و حقیقی آیه قابل درک نباشد و یا با برخی مبانی عقلی در تناقض قرار گیرد، سودمند است. این در حالی است که رسول خدا ﷺ در روایتی از تأویل‌های نابه‌جا اظهار نگرانی کرده است (صدوق، ۱۳۶۲: ۱۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۴۲) اما آنچه مسئله این نوشتار است تأویل نامناسب، غامض و غیر ضروری است که تعداد اندکی از علمای شیعه از آیه ۳۶ سوره توبه با استناد به برخی روایات برای اثبات امامت امامان دوازده‌گانه ارائه کرده‌اند. نگارنده بر این باور است که شیعه امامیه از چنان ادله محکم عقلی و نقلی برخوردار است که نیازی به این‌گونه تأویلات ندارد.

در برخی روایات اندک و غیر مشهور شیعه امامیه، تأویلی از آیه ۳۶ سوره توبه در خصوص اثبات امامت امامان دوازده‌گانه ﷺ صورت گرفته و این روایت غیر مشهور در زبان و بیان بسیاری از متدینان شهرت و گاهی مقبولیت یافته است، به طوری که با استناد به همین روایات که تأویل گر آیه مذکورند، مقالاتی با عنوان «امامان دوازده‌گانه در قرآن و سنت» نوشته شده است. (شریعتی سبزواری، ۱۳۸۸: ۲۶) تکرار چنین تأویلات در محافل مذهبی، نوشتارهای فرهنگی و انتشار آن در فضای مجازی باعث می‌شود که برخی آن را قطعی و غیر قابل نقد تلقی کنند و برخی دیگر با دیده انکار به آن بنگرند. این‌گونه تأویلات پیامدهای منفی به بار می‌آورد که جبران آن را با مشکل

مواجه می‌سازد. اثبات امامت و شمار امامان شیعه پیش و بیش از آن که نیازمند تأویل این‌گونه از آیات قرآن باشد، دارای مبانی عقلانی و برهانی است و مبتنی بر برخی آیات و روایات است که هیچ نیازی به تأویل در آنها نیست. این نوشتار به بررسی صحت و سقم این روایات تأویل‌کننده آیه ۳۶ توبه از جهت سند، متن و محتوی و تطبیق آن با مبانی عقلی و آسیب‌شناسی آن می‌پردازد. عدم بررسی دقیق چنین روایات نادر و نقل گسترده آن در بیان و بنان متدینان می‌تواند به باورهای اعتقادی شیعه، به خصوص شیعه امامیه، آسیب بزند. در پژوهشی هم که به نام «آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری» انجام شده در بحث از جریان‌های روایت‌گرایانه و باطنی به این مهم اشاره شده است. (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹) البته هدف این نوشتار بیش از آنکه بررسی صحت و سقم چند روایت در این خصوص باشد، تأکید بر این نکته است که اثبات امامت امامان دوازده‌گانه شیعه بی‌نیاز از تأویل برخی از آیات قرآن است و ادله محکم، وافی و کافی عقلی و نقلی به وفور وجود دارد که ما را از تأویل‌های غامض، مبهم و پیچیده بی‌نیاز می‌سازد.

پیش از بیان هر مطلبی ضروری است اصل روایات در این زمینه گزارش شود و سپس به نقد و بررسی آنها پرداخته شود. روایات در خصوص تأویل آیه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ...». (توبه / ۳۶) است.

شروع تأویل‌ها

یکی از این تأویلات در کتاب *الهدایة الکبریٰ حسین بن حمدان خصبی* (م. ۳۵۸ ق)^۱ که او را زعیب طایفه علویان نصیریه دانسته‌اند، (زرکلی، ۱۹۸۹: ۲ / ۲۳۶؛ فرایمن، ۱۳۸۶: ۱۳۷) آمده است. گفته‌اند خصبی^۲ این کتاب را در شرح زندگی چهارده معصوم علیهم السلام نوشته و آن را به سیف الدوله حمدانی اهداء کرده است. (طهرانی، ۱۴۰۳: ۳ / ۲۶۸) روایت مذکور در این کتاب چنین است.

عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الْبَاقِرَ عليه السلام يَقُولُ: عَنْ تَأْوِيلِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ فَتَنْفَسَ صُعْدًا ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ أَمَا السَّنَةُ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ وَشُهُورُهَا الْإِثْنَا عَشَرَ مِنْ جَدِّي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

۱. تاریخ وفات او را ۳۴۶ ق نیز گفته‌اند. (رحمتی، ۱۳۸۵)

۲. او به اعتبار نام پدر بزرگش خصبی به خصبی شهرت یافته است. (امین، ۱۴۰۳: ۵ / ۴۹۰)

إِلَى الْخَلْفِ الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ أَمَا الْأَرْبَعَةُ الْحُرْمُ مِمَّا فَهَرُمُ
 أَرْبَعَةُ أَيْمَةً بِاسْمِ وَاحِدٍ عَلِيٍّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ
 عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْإِقْرَارُ بِهِؤَلَاءِ الدِّينِ الْقِيمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَ تَجْعَلُوهُمْ
 بِالسَّوَاءِ جَمِيعًا. (خصیصی، ۱۴۱۱: ۳۷۷)

شیخ طوسی و به دنبال او ابن شهر آشوب همین روایت خصیصی را نقل کرده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۴۹؛
 ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۴۴) ابن شهر آشوب در ادامه روایت نوشته است: در خبر دیگری
 «اربعه حرم» را به جای چهار امام با نام‌های علی علیه السلام، به علی علیه السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام و قائم علیه السلام
 تطبیق کرده‌اند به دلالت ذیل آیه که فرموده است: «ذلک الدین القیم». (همان)

در این روایت براساس آنچه به امام باقر علیه السلام منسوب است، جابر جعفی از امام درباره تأویل
 آیه ۳۶ توبه می‌پرسد و امام در پاسخ او سال را به رسول خدا صلی الله علیه و آله، ماه‌های دوازده‌گانه را به
 دوازده امام از جدش علی علیه السلام تا حضرت مهدی علیه السلام و چهار ماه حرام را به چهار امام معصوم که
 نامشان علی علیه السلام است، تأویل می‌کند.

افزون بر روایت کتاب خصیصی، نعمانی در باب «ما روی فی ان الائمة اثنا عشر اماما» روایتی با
 موضوع قیام قائم علیه السلام به روایت ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است. در روایت منسوب به
 امام هیچ سخنی از آیه ۳۶ توبه نیست، (نعمانی، ۱۴۲۲: ۹۸) اما خود نعمانی در ذیل روایت، به آیه
 مذکور استناد کرده و سپس می‌نویسد:

و سپاس خدا را که از همه این روایات روشن‌تر و واضح‌تر و درخشان‌تر برای
 کسی که خدا راهنمایی‌اش کرده و درباره او احسان فرموده است، آیه شریفه
 قرآن است که می‌فرماید: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ
 يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ
 أَنْفُسَكُمْ». (توبه / ۳۶)

نعمانی برای اثبات مدعای خود در ادامه می‌افزاید:

شناختن ماه‌های محرم، صفر، ربیع و ماه‌های بعدی و ماه‌های حرام که رجب،
 ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم است که دین محکم نمی‌تواند باشد؛ زیرا یهود،
 نصاری، مجوس، سایر ادیان و همه مردم از موافق و مخالف این ماه‌ها را
 می‌شناسند و آنها را به نام می‌شمارند بلکه آنان امان‌اند و بر پا دارندگان دین

خدا هستند و محترم‌ترین آنان یکی امیرالمؤمنین علی است که خداوند نام او را از نام خود: علی، مشتق کرد همچنان که برای رسول خودش صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نامی از نام خود: محمود، مشتق کرد و سه نفر دیگر از فرزندان او که نام‌هاشان علی است؛ یعنی علی بن الحسین، علی بن موسی و علی بن محمد و احترام این نام‌ها از آن روست که آنان از نام خدا مشتق شده‌اند. درودهای خدا بر محمد و فرزندان او که به خاطر انتساب به او عزیزند و محترم. (نعمانی، ۱۴۲۲: ۹۸)

محمدباقر مجلسی پس از نقل روایت ابوحمزه ثمالی، می‌نویسد: «به ظاهر این سخنان از خود نعمانی است که از روایات استخراج کرده است. البته محتمل است که تتمه روایت باشد». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۴ / ۲۴۲)

افزون بر روایت جابر، نعمانی در روایت شماره ۱۸ از همین باب یادشده، حدیثی را به نقل از داود بن کثیر رقی از امام صادق علیه‌السلام آورده که در آن امام از وضعیت کوفه سؤال می‌کند و داود به قیام زید بن علی علیه‌السلام اشاره می‌نماید. امام از سماعه بن مهران می‌خواهد که رطب بیاورد و با اقدام معجزه‌گونه، نام امامان شیعه را از داخل هسته خرمایی که به معجزه کاشته و شکافته شده به سماعه نشان می‌دهد و سپس به آیه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ...» (توبه / ۳۶) استناد می‌کند. (نعمانی، همان: ۹۰)

همین حدیث در کتاب *مقتضب الاثر* احمد بن عبیدالله بن عیاش جوهری (متوفی ۴۰۱ ق) به روایت داود رقی آمده است، با این تفاوت که در روایت کتاب *النمیه* نعمانی، امام باقر علیه‌السلام از سماعه بن مهران می‌خواهد که ظرف خرمایی بیاورد و سپس امام به صورت معجزه هسته خرما را می‌کارد و بی‌درنگ هسته شکافته می‌شود و امام از خرمای نارس پوست نازکی را بیرون می‌آورد و به داود رقی می‌دهد تا بخواند و او آیه ۳۶ سوره توبه را همراه نام ائمه علیهم‌السلام در سطر دوم می‌یابد. (همان: ۸۵) اما در کتاب *مقتضب الاثر* به جای ظرف خرما، سخن از صحیفه سفیدی است که به ارث از اهل بیت علیهم‌السلام به امام رسیده و در سطر دوم آن آیه ۳۶ توبه و نام امامان دوازده‌گانه آمده است. (جوهری، بی‌تا: ۳۱) جالب آنکه نویسنده کتاب این روایت را از «عجب الروایات» خوانده که از طریق مخالفان رسیده است. (همان: ۳۰) مجلسی نیز که گویا روایت برایش عجیب آمده است، ناچار به تأویل معجزه مذکور در روایت شده است. او در این باره نوشته است: «الظاهر أن هذا الرق كان مكتوباً قبل آدم بألفي عام فجعله الله لإظهار إعجازه (ع) بين تلك البسرة في هذه الساعة.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶ / ۴۰۱) این در حالی است که وی در جای دیگر از همین کتاب به تفصیل درباره ضرورت شناخت ماه‌ها و سال‌ها براساس تقویم‌های مختلف بحث کرده و هیچ نیازی هم ندیده که خود را به زحمت انداخته و دست به تأویل آیه بزند. (همان: ۵۵ / ۳۷۷ به بعد)

ابن شهر آشوب نیز روایت فوق را از داود رقی و به همراه حضور سماعه بن مهران آورده است، اما در ذیل روایت مناقب افزوده‌ای آمده که در روایات پیشین نیست و آن اینکه: «لا خِلافَ أَنْ مَعْرِفَةَ الشُّهُورِ وَالسَّنِينَ لَيْسَتْ بِوِاجِبَةٍ غَيْرَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ الْحُجُّ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ الشُّهُورَ وَالْأَعْوَامَ لَيْسَ يَلْحَقُهُ ذَمٌّ وَمَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ الْأَيَّامَ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً.» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۶۴) ابن شهر آشوب همین ادعا را در کتاب *متشابه القرآن* هم تکرار کرده است. (همو، ۱۳۲۸: ۲ / ۵۴)

در سده نهم در برخی منابع، همین روایت داود رقی و با حضور سماعه آمده است، اما فقط تا نام امامان را آورده و ذیلی را که ابن شهر آشوب نقل کرده نیامده است. (علی بن یونس عاملی، ۱۳۸۴: ۲ / ۱۵۸ - ۱۵۷) همچنین در قرن ۱۱ همانند منبع یاد شده آمده و فاقد ذیل موجود در مناقب ابن شهر آشوب است. (قمی، ۱۴۱۸: ۳۵۶) علامه مجلسی ضمن نقل روایت نعمانی، به چرایی تأویل آیه پرداخته و درباره اینکه چرا در قرآن از امامان دوازده گانه شیعه به صورت استعاره به «الشهور» تعبیر شده است، می‌نویسد:

إنما كني عنهم بالشهور لأن بهم دارت السماوات و استقرت الأركان و بوجودهم جرت الأعوام و الأزمان و ببركتهم ينتظم نظام عالم الإمكان فاستعير لهم هذا الاسم بتلك المناسبات في بطن القرآن و أيضا لاشتهارهم بين أهل الدهور سمو بالشهور و أيضا لكون أنوارهم فائضة على الممكنات و علومهم مشرقة على الخلق بقدر الاستعدادات و القابليات فأشبهوا الأهلّة و الشهور في اختلاف إفاضة النور فبالنظر إلى بصائر المخالفين كالحاق و بالنظر إلى القاصرين كالأهلّة و بالنظر إلى أصحاب اليقين كالبدور و على كل حال فأنوارهم مقتبسة من شمس عالم الوجود و رسول الملك المعبود و كل الأنوار مقتبسة من نور الأنوار. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶ / ۳۹۵ - ۳۹۴)

همانا از ایشان (امامان دوازده گانه شیعه) در قرآن کریم با کنایه با عبارت «الشهور» یاد شده است؛ زیرا به واسطه آنها آسمان‌ها می‌چرخند و ارکان هستی استقرار می‌یابند و به وجود آنها سال‌ها و زمان‌ها در جریانند و به برکت آنها نظام جهان هستی نظم می‌یابد. پس با توجه به باطن قرآن، به این مناسبت از آنها به استعاره با واژه شهور یاد شده است. همچنین به سبب شهرت آنها در میان مردم روزگاران به شهور نامیده شده‌اند. و باز به سبب این که ممکنات عالم از نور وجود آنها بهره‌مند می‌شوند و دانش‌های ایشان بر حسب استعداد و قابلیت‌های مخلوقات بر آنها همچون نور می‌تابند، به حسب تفاوت در پرتوافکنی‌شان، به هلال ماه

تشبیه شده‌اند و با توجه به بصیرت مخالفانشان، به‌محاق ماه (ماه در شب‌های آخر) و بر حسب دید کوتاه‌بینان به هلال ماه (ماه در شب‌های اول) و با توجه به اصحاب یقین به ماه شب چهارده تشبیه شده‌اند. در هر حال، نورهای امامان دوازده‌گانه برگرفته از نور خورشید عالم وجود و فرستاد معبود (یعنی رسول خدا ﷺ) است و تمام نورها برگرفته از وجود نورالانوار است

در اینکه امام معصوم ﷺ حجت خداست، تردیدی نیست اما به نظر می‌رسد این‌گونه توجیهاات برای پذیرش چنین تأویلی، ذوقی است و نمی‌تواند مبانی علمی برای اثبات امامت امامان دوازده‌گانه قرار گیرد.

در کتاب *تأویل الآیات* دو روایت یکی از ابوحمزه ثمالی از امام باقر ﷺ و دیگری از داود رقی از امام صادق ﷺ آمده است. هرچند نویسنده فقط به گزارش دو روایت بسنده کرده اما با نگاه به‌عنوان کتاب و عدم اظهار نظر نویسنده، دانسته می‌شود که روایات نزد او مقبول افتاده است. (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۰۴ - ۲۰۲)

روایت منقول از ابوحمزه ثمالی در منابع متأخر به‌خصوص سده ۱۰ تا ۱۲ وارد شده و بیشتر محدثان از کتاب *الغیبه نعمانی* آن را نقل کرده‌اند. (بحرانی، ۱۴۲۲: ۲ / ۲۷۹؛ همو، ۱۴۱۳: ۲ / ۴۶۴ و ۵ / ۳۶۸ - ۳۶۷) برخی از متأخران با عنوان «آیات عالم الانوار» به آیه ۳۶ توبه اشاره کرده و در تأیید آن به روایت جابر جعفی از امام باقر ﷺ در تأویل آیه یاد شده استناد کرده‌اند. (عاشور، ۱۴۲۰: ۷۳)

نقد و بررسی

در نقد و بررسی روایات تأویل‌کننده آیه ۳۶ سوره توبه، افزون بر آنچه در ذیل گزارش روایات در سطور بالا گذشت، بیان چند نکته ضروری است:

نکته نخست اینکه بسیاری از علمای بزرگ شیعه به تفسیر ظاهر آیه بسنده کرده و هیچ اشاره‌ای به این‌گونه تأویلات نکرده‌اند. افزون بر اینکه آیه را دقیقاً بر معنای ظاهری آن؛ یعنی زمان، سال و ماه تفسیر کرده‌اند که در خصوص انجام فرائض دینی به‌خصوص روزه و حج بسیار کارساز است. شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق) در کتاب *جواب اهل الموصل و علامه حلی (متوفی ۷۲۶ ق)* در *تذکره الفقهاء* روایتی را از امام باقر ﷺ در خصوص افطار روزه‌دار آورده‌اند که با استناد به سخن رسول خدا ﷺ سال را دارای دوازده ماه می‌داند و هیچ اشاره‌ای به تأویل ادعا شده، نکرده‌اند. (مفید، بی‌تا: ۳۶؛ حلی، ۱۴۱۴: ۶ / ۱۳۹) شیخ مفید در یکی از آثار منسوب به خود، روایت مفصلی را با عنوان *صحیفه زهرا* به نقل از

امام صادق علیه السلام آورده که طبق این روایت امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری می‌خواهد که لوحی را که نزد اوست به امام نشان دهد. در این لوح نام دوازده امام به ترتیب آمده است، اما نه تأویلی در آن است و نه استنادی به آیه ۳۶ توبه. (مفید، ۱۴۱۳: ۲۱۰) بسیاری از علمای شیعه نیز به این آیه فقط در خصوص حج و زمان برگزاری آن استناد کرده‌اند. (طبری، ۱۴۱۵: ۳۱۸) فقهای شیعه نیز به این روایت فقط در خصوص فرائض دینی از جمله روزه استناد کرده‌اند. شیخ طوسی از این فقها است که در ذیل این آیه در خصوص روزه به روایت امام باقر علیه السلام استناد کرده است. (طوسی، ۱۳۶۵: ۴ / ۱۶۱) فتال نیشابوری نیز از این آیه تفسیر زمانی بدون تأویل کرده است. (فتال، بی‌تا: ۳۹۱) در دوره‌های متأخر نیز فقیهان به همین روایت استناد کرده‌اند، آن هم در خصوص روزه. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۲۵۷)

شیخ صدوق نیز دو روایت نسبتاً مفصل درباره این آیه آورده و هیچ اشاره‌ای به این تأویل ندارد. (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۸۷) ابن شعبه حرانی نیز خطبه مفصلی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آورده که در آن خطبه به این آیه تصریح کرده ولی فاقد تأویل فوق است. (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۲) این خطبه مشهور در منابع متعددی آمده است. (بنگرید به: یعقوبی، بی‌تا: ۲ / ۱۱۰؛ طبری، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۰۳؛ سیوطی، ۱۴۱۲: ۳ / ۲۳۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۲۷۳) برخی از فقهای معاصر در خصوص قمری یا شمسی بودن سنه در آیه نیز بحث کرده‌اند. (کریمی جهرمی، بی‌تا: ۱ / ۳۲۱) از سوی منابع اهل سنت نیز این آیه جزء آیات الاحکام قرار گرفته است. (نووی، بی‌تا: ۱۸ / ۱۴۳) ابن قدامه نیز به تفصیل در این باره بحث کرده است. (ابن قدامه، بی‌تا: ۴ / ۳۳۰)

مطلب مهم این است که هیچ یک از مفسران سده‌های نخستین در ذیل این آیه با استناد به چنین روایاتی، از این گونه تأویلات نکرده‌اند (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۲۱۴، طبرسی، ۱۴۱۵: ۵ / ۴۹؛ رازی، ۱۳۷۰: ۷۵ و ۲۰۸) شیخ طوسی هم که در یکی از آثارش روایت مذکور را گزارش کرده بود (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۴۹) در تفسیر خود بدون تمسک به آن روایت سخنی از تأویل آیه به میان نیاورده است. (همو، بی‌تا: ۵ / ۲۱۴) حال با وجود این همه منابع شیعه که هیچ سخنی در این باره نگفته و چنین تأویلی را با تکیه بر روایات نکرده‌اند، چگونه می‌شود تأویلی صورت گیرد که هیچ تناسبی با ظاهر آیه نداشته باشد؟ این مفسران متأخر به خصوص مفسران سده‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری قمری هستند که با این رویکرد به تفسیر آیه پرداخته‌اند. از جمله آنها حویزی (م. ۱۱۱۲ ق) در تفسیر روایی *نور الثقلین* است. البته قرآن پژوهان معاصر نوشته‌اند هدف مفسر گردآوری اخبار مربوط به آیات است نه تأیید آنچه نقل کرده؛ زیرا مؤلف به این نکته تصریح می‌کند که هدف از گردآوری، فراهم آوردن فرصت تحقیق در روایات تفسیری است. (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۱ / ۷۷۵) حویزی نیز روایت یاد شده را از کتاب *الغیبه*

طوسی به روایت جابر جعفی نقل کرده است. (حویزی، ۱۴۱۲: ۲ / ۲۱۵) این‌گونه روایات تأویل‌گرایانه در کتب اربعه شیعه هم نیامده است. شیخ صدوق با وجود رویکرد نص‌گرایانه و با وجود آثار متعدد حدیثی، فقط در کتاب خصال خود این روایت را نقل کرده است. (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۸۷) در ۲۳ مجلد *عقبات الانوار* که موضوع آن اثبات امامت امامان دوازده‌گانه شیعه است به چنین روایاتی استناد نشده است. این در حالی است که میرحامد حسین خطبه مشهور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را که در آن به آیه ۳۶ توبه اشاره شده، آورده اما خبری از روایت جابر جعفی و داود رقی و تأویل آیه ۳۶ توبه در این کتاب نیست. (هندی، ۱۳۶۶: ۱۹ / ۹۳۰) جالب آن که از هیچ امام دیگری و از هیچ یک از راویان احادیث معصومان علیهم‌السلام چنین مطلبی روایت نشده است؛ به جز دو روایت که فقط از صادقین علیهم‌السلام به روایت جابر جعفی و داود رقی نقل شده است، که در ادامه به نقد آن دو روایت می‌پردازیم.

نکته دوم اینکه سند روایت داود رقی ضعیف است. سید ابوالقاسم خویی پس از نقل این روایت به

دو طریق، می‌نویسد:

این روایت به هر دو طریق آن ضعیف است. در طریق نخست علی بن عمر معروف به المعمر و همچنین جعفر بن محمد حسینی توثیق نشده‌اند و عبید بن کثیر هم ضعیف است. افزون بر اینکه ابو احمد بن موسی اسدی نیز مجهول و وثاقت داود رقی هم ثابت نشده است، اما روایت به طریق دوم افزون بر اینکه همانند طریق نخست، وثاقت داود رقی اثبات نشده، دارای یک راوی ضعیف و یک راوی مجهول است. ابن‌عیاش، احمد بن محمد بن عبید الله، ضعیف و عبدالصمد بن علی، مجهول است. (خویی، ۱۴۱۳: ۸ / ۳۶۵)

سید جعفر مرتضی عاملی هم در پاسخ به سؤالی در خصوص روایت امام باقر علیه‌السلام در تأویل «أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ» به چهار امام به نام‌های علی علیه‌السلام، می‌نویسد: سند روایت ضعیف و غیر قابل اعتماد است؛ زیرا طوسی در کتاب *الغیبه* از جابر بدون سند روایت کرده است و دو تفسیر *نورالثقلین* و *البرهان* هم از او روایت کرده‌اند. (مرتضی عاملی، ۱۴۲۵: ۱ / ۱۶۶) داود بن کثیر رقی که او را یکی از گردآورندگان «اصول اربع مائة» دانسته‌اند، (نیومن، ۱۳۸۶: ۲۰۰) از سوی شیخ طوسی تضعیف شده است. (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۰۶) سید احمد فهری مترجم کتاب *الغیبه* نعمانی نوشته است:

در سند این روایت، عبید بن کثیر بن عبدالواحد ابو سعید عامری است که علامه در قسمت دوم از خلاصه او را عنوان کرده و فرموده است که اصحاب ما او را قدح

نموده‌اند و درباره‌اش گفته‌اند که آشکارا حدیث جعل می‌کرد و از دروغ‌پردازی باکی نداشت و داستانش مشهور است. (نعمانی (ترجمه)، ۱۳۶۲: ۸۶)

شاید به سبب همین ضعف سند است که برخی علمای معاصر با اینکه صدها روایت دلالت‌کننده بر دوازده‌گانه بودن امامان شیعه آورده، اما از نقل روایت داود رقی اجتناب کرده‌اند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱: ۱۸۷ - ۴۵)

افزون بر اشکالات ضعف سند، عدم وثاقت و مجهول بودن راوی، روایت هم متفاوت گزارش شده است. در یک روایت سخن از آوردن رطب به میان آمده و امام با کرامت و معجزه، نام ائمه علیهم‌السلام را به سماعه بن مهران نشان داده و در روایت دیگر سخن از صحیفه‌ای است که میراث اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. امامان شیعه در موارد بسیار نادر اقدام به انجام کرامت و معجزه برای اثبات امامت خود می‌کردند.

نکته سوم درباره عدم وثاقت خصیبی و فساد مذهب اوست. نجاشی، حسین بن حمدان خصیبی را که نخستین نویسنده شیعه است که روایت جابر جعفی را در کتاب خود آورده، فاسدالمذهب دانسته است. (نجاشی، ۱۴۰۷: ۶۷؛ ابن داود حلی، ۱۳۹۲: ۲۴۰) ابن غضائری هم افزون بر آن که او را فاسدالمذهب دانسته درباره او تعبیر «صاحب مقاله ملعونه» به کار برده است که نشانگر برخی باورهای خاص اوست. (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۵۴) به گفته برخی محققان، او معجزات شگفت‌آوری از امامان شیعه علیهم‌السلام نقل کرده که سید هاشم بحرانی در *مدینه المعجز فراوان* از او روایت کرده است. (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۴: ۳ / ۱۲۱) سید جعفر مرتضی هم با این استدلال که او بسیار ضعیف و فاسدالمذهب است به روایات او اعتنا نکرده است. (مرتضی عاملی، ۱۴۲۶: ۱۲ / ۳۹۳) برخی محققان نیز خصیبی و کتابش را مورد نقد قرار داده و پس از آن که روایات او را برگرفته از روایات غالیان معرفی کرده‌اند، نوشته‌اند: «به نظر می‌رسد انتشار این روایات می‌تواند بیشترین اثر را در معرفی چهره‌ای مشوه از تاریخ تشیع و به دنبال آن انزجار عمومی مسلمانان از این مکتب تابناک داشته باشد.» (صفری، ۱۳۸۴: ۴۶ - ۱۵) چنانکه انتساب سه اثر به نام‌های *رساله الرأس باشیه*، *فقه الرساله* و *رساله اختلاف العالمین* به خصیبی درست باشد، تردیدی در غالی و نصیری بودن او نمی‌ماند. (رحمتی، ۱۳۸۵: ۱۹۰ - ۱۸۸) او از افراد مشهور به غلو یا متهم و منتسب به آن، فراوان روایت کرده است. (همان: ۱۸۴ - ۱۸۳) تمام تلاش خصیبی اثبات امامت از طریق معجزه است؛ راهی که سید هاشم بحرانی در *مدینه المعجز پیموده* است و این همان روشی است که امامان شیعه بسیار نادر به آن اقدام می‌کردند. محمدباقر مجلسی با اینکه به خصیبی اعتماد کرده و روایات متعددی از وی آورده است اما درباره او نوشته است: «غمز علیه بعض اصحاب الرجال»؛ یعنی برخی رجالیون بر او طعنه زده‌اند.

(مجلسی، ۱۴۰۳: ۱ / ۳۹) ابن حجر عسقلانی از نویسندگان اهل سنت به نقل از رجال ابن نجاشی می نویسد: «انه خلط و صنف في مذهب النصيريه و احتج لهم و كان يقول بالتناسخ و الحلول.» (ابن حجر، ۱۳۹۰: ۲ / ۲۸۰ - ۲۷۹) هرچند، برخی شرح حال نویسان شیعه ادعای ابن حجر را نادرست و دروغ آشکار دانسته‌اند. (امین عاملی، ۱۴۰۳: ۵ / ۴۹۱)

درباره تأویل قرآن هم سخن فراوان است. گاهی تأویل به همان معنای تفسیر است و گاهی در برابر آن. این واژه در برابر تنزیل هم به کار می‌رود. هرگاه مصادیق یک آیه روشن باشد، تنزیل و هرگاه مصادیق آن مخفی باشد، تأویل گفته می‌شود. (سبحانی، ۱۳۹۱: ۲۴۲) همه قرآن نیازمند تأویل نیست. آیه مورد بحث این نوشتار تنزیل است نه تأویل و مصداق آن روشن و از آغاز بوده و در طول زمان پدید نیامده است که نیازمند تأویل باشد. (همان)

با توجه به تعریفی که مفسران از متشابه کرده‌اند (سبحانی، همان: ۲۳۷) و پیوندی که میان تأویل با مسئله متشابهات در قرآن وجود دارد (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۴۶۹)، آیه ۳۶ توبه جزء متشابهات قرآن هم نیست که باز نیازمند تأویل باشد، بلکه از محکومات قرآن است. به گفته استاد مطهری «حقیقت این است که در قرآن کریم، در هیچ موضوعی از موضوعات، حتی یک آیه هم وجود ندارد که نیازمند به تأویل باشد. متشابه‌ترین آیات قرآنی نیز چنین نیست» (مطهری، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۷۴) به نظر نگارنده این سطور آیه مورد بحث نه تنها نیازمند تأویل نیست بلکه به سبب ظهور آن قابلیت تأویل مورد نظر روایات یاد شده را هم ندارد، به‌خصوص تأویل دو واژه «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» به چهار امام معصوم علیهم السلام که نام مبارکشان علی علیهم السلام است.

این تأویلات نامناسب، شعرانی را بر آن داشته تا در تعلیقه بر شرح اصول کافی بنویسد: بیان برخی امور به مناسبت، ضمن نقل آیات و احادیث نبوی، معروف و معروف و معروف است؛ مانند بیان شمار دوازده بودن ائمه علیهم السلام ضمن نقل آیه «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا» به مناسبت اشتراک در عدد و نیز اینکه چهار تن از ائمه علیهم السلام نامیده شده‌اند ضمن نقل «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ»، ولی این بدین معنا نیست که لفظ آیه در این معنا واقع شده است. (مازندرانی، ۱۴۲۱: ۳ / ۲۹۱)

در شمار امامان شیعه امامیه با استناد به روایات متقن هیچ تردیدی نیست. آنچه مورد بحث این نوشتار است تأویلی است که با استناد به آیه ۳۶ توبه صورت گرفته، به‌خصوص تطبیق «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» بر چهار امام معصوم که نام مبارکشان علی علیهم السلام است. افزون بر اینکه در آیه یادشده هیچ اشاره آشکاری به «سنه» به معنای سال نشده است که در روایت مذکور آن را به رسول خدا ﷺ تأویل کرده است؛ جز اینکه گفته شود منظور از «الشهور» ماه‌های سال است که امری بدیهی است.

ادله عقلی و نقلی اثبات امامت

اثبات امامت امامان شیعه بر دو رکن اصلی مستند و مستدل است. نخست تبیین عقلی ضرورت امامت، همان گونه که علمای شیعه به خصوص متکلمان آن مانند شیخ مفید، سید مرتضی، علامه حلی و ... به تبیین آن پرداخته‌اند. باور متکلمان شیعه آن است که در اصول عقاید (که امامت هم یکی از آنهاست) علم و یقین مبتنی بر برهان و دلیل معتبر است؛ برخلاف اخباریون که این علم و یقین را یا ضروری نمی‌دانند و یا به جای برهان فقط به روایات و محکومات قرآن مبتنی می‌دانند. (بهشتی، ۱۳۹۰: ۲۹۱ - ۲۹۰)

رکن دوم، آیات متعدد قرآن مانند آیه تبلیغ یا بلاغ (مائده / ۶۷)، آیه اکمال دین (مائده / ۳)، آیه ولایت (مائده / ۵۵)، آیه اولوالامر (نساء / ۵۹)، آیه مباحله (آل عمران / ۶۱)، آیه تطهیر (احزاب / ۳۳)، آیه مودت (شوری / ۲۳)، آیه عهد (بقره / ۱۲۴) و ... که دلالت واضحی بر امامت دارند. قاضی نورالله شوشتری نیز در جلد ۲۴ کتاب *احقاق الحق*، آیات مرتبط با امامت امامان شیعه علیهم‌السلام را به تفصیل آورده اما هیچ اشاره‌ای به آیه ۳۶ سوره توبه نکرده است. (مرعشی تستری، ۱۴۰۹: ۴ / ۲ - ۱۵۹) علمای معاصر شیعه نیز که آیات الولایة در قرآن نوشته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۱ - ۱۱۵)، هیچ نیازی برای تمسک به آیه ۳۶ توبه ندیده‌اند، تا چه رسد به اینکه آن را به صورت پیچیده و غامضی تأویل نمایند.

افزون بر اینکه احادیث منقول از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره جانشینی مانند حدیث دار، حدیث منزلت و حدیث غدیر و به خصوص احادیث در مورد شمار امامان دوازده‌گانه شیعه امامیه که از سوی خود آن پیشوایان معصوم علیهم‌السلام مورد تأکید قرار گرفته است (زینلی، ۱۳۸۸: ۴۴ - ۳۰)، ما را از دست زدن به چنین تأویلاتی بی‌نیاز می‌کنند.

آسیب‌شناسی چنین تأویلاتی خود بحث مفصلی می‌طلبد. اقدام به این گونه تأویل‌های پیچیده و نامناسب و جایگزین کردن آنها به جای تبیین عقلانی امامت نه تنها اقعاع‌کننده نسل امروز نیست بلکه مخالفان مذهب تشیع را به بهانه‌جویی و تضعیف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و می‌دارد. همان گونه که خاورشناسان را بر آن داشته تا بنویسند: شیعیان بر جدایی ظاهر قرآن از باطن آن تأکید دارند و قرآن امروزی را از روی تقیه پذیرفته‌اند. آنها نوشته‌اند: این گونه تأویل‌ها پیرامون مسئله امامت مطرح شده و فهم این آیات تنها با خروج از ظاهر و ورود به باطن قابل درک است. البته برخی محققان ادعاهای آنها را نقد کرده‌اند. (بنگرید به: پویازاده، ۱۳۸۹: ۱۴۸ - ۱۱۹) آیه ۳۶ سوره توبه چنان وضوح دارد که هیچ نیازمند به تأویل نیست. آیه بعدی آن هم که درباره کفر بودن نسبی وارد شده، قرینه مناسبی

برای این وضوح است. از همین روست که سید محمدحسین طباطبایی با استناد به سیاق آیات، چنین تأویلی را نپذیرفته و آن را «لایخلو عن خفاء» معرفی کرده است. این در حالی است که هم او روایت امام باقر (ع) را در تفسیر «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» بر چهار ماه رجب، ذوالقعدة، ذوالحجه و محرم بدون هیچ تأویلی پذیرفته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹ / ۲۷۳)

بیان این نکته هم خالی از فایده نیست که شیوه قرآن کریم ورود بر همه جزئیات به‌خصوص نام بردن از افراد نیست. شیوه قرآن بسنده کردن به وصف است. در کل قرآن از شخصیت‌های معاصر پیامبر اکرم (ص) فقط از دو تن یاد شده است؛ یکی ابو لهب در سوره مسد و دیگری زید بن حارثه در سوره احزاب. (شریعتی، ۱۳۸۵: ۴۴ - ۳۹)

آسیب دیگر چنین تأویلاتی این است که طرف مقابل مذهب تشیع را هم وا می‌دارد که دست به تأویلات نادرست زده و به‌طور مثال «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» را بر خلفای راشدین تطبیق نمایند. باید توجه داشت که گاهی آیه‌ای در خصوص فرد خاصی نازل شده و مفسران دنبال مصداق آن هستند و هر یک براساس گرایش مذهبی خود آن را تفسیر می‌کنند. این اختلاف در تفسیر خیلی نمی‌تواند آسیب زنده باشد؛ چون محققان با مراجعه به منابع متعدد حقیقت را کشف خواهند نمود، مانند یافتن مصداق آیه ۲۰۷ سوره بقره که بنابر نظر مشهور مفسران در خصوص علی (ع) و ماجرای لیلۃ المبیت نازل شده است، اما درباره آیه مورد بحث به خصوص دو کلمه «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» به آسانی نمی‌توان برای آن مصداق‌یابی نمود. هر عاقلی فکر می‌کند که چهار امام معصوم که نام مبارک آنان علی (ع) است چه خصوصیتی دارند که امامان دیگر فاقد آن هستند، چرا تنها این چهار امام مصداق «أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ» باشند.

نتیجه

نتیجه اینکه آیه ۳۶ توبه از آیات محکم قرآن است و نیازی به تأویل ندارد. همه مفسران سده‌های نخستین و فقهای شیعه و اهل سنت آیه را به ماه‌های دوازده‌گانه قمری تفسیر کرده‌اند که شناخت آنها ضروری است و انجام فرائض دینی منوط بر آگاهی از آنها است. وجود چهار ماه حرام (رجب، ذوالقعدة، ذوالحجه و محرم) قطعی و احکام ویژه‌ای بر آنها بار می‌شود. اثبات امامت امامان دوازده‌گانه از چنان پشتوانه محکمی برخوردار است که نیازی به تأویل‌های مرموز و پیچیده ندارد. تأویل‌های پیچیده مذهب تشیع را از بساطت علمی خارج می‌کند درحالی که یکی از عوامل مهم گسترش اسلام و مذهب تشیع همین بساطت علمی و ساده بودن آن است. افزون بر اینکه این‌گونه تأویل‌های غامض و نامناسب به اصل مذهب تشیع به‌خصوص اصل امامت آسیب می‌رساند. مجموع روایاتی که

چنین تأویلی در آن آمده فقط دو روایت است؛ اولی را خصیبی به روایت جابر جعفی نقل کرده که به اعتقاد بسیاری از رجالیون خصیب فاسدالمذهب و غالی معرفی شده و کتابش فاقد اعتبار است. روایت دوم هم به نقل از داود رقی بوده است که بسیاری از علمای شیعه او را غیر ثقة معرفی کرده و هر دو طریق روایتش را ضعیف و مجهول دانسته‌اند.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۹۰، *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ابن داود حلّی، حسن بن علی، ۱۳۹۲، *رجال ابن داود*، نجف، منشورات المطبعة الحیدریة.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۲۸، *مشابه القرآن و مختلفه*، طهران، مکتبه المصطفوی.
- _____، ۱۳۷۶، *مناقب آل ابی طالب*، نجف، مکتبه الحیدریة.
- ابن غضائری، احمد بن الحسین، ۱۴۲۲ ق، *الرجال*، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، بی تا، *المعنی*، بیروت، دار الکتب العربی.
- اسعدی، محمد و همکاران، ۱۳۸۹، *آسیب شناسی جریان‌های تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- امین عاملی، سید محسن، ۱۴۰۳ ق، *اعیان الشیعة*، تحقیق حسن الامین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۳ ق، *مدینه المعاجز*، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة.
- _____، ۱۴۲۲ ق، *غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام*، تحقیق سید علی عاشور، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- بهشتی، ابراهیم، ۱۳۹۰، *اخباریگری (تاریخ و عقاید)*، قم، دار الحدیث و دانشگاه ادیان و مذاهب.
- جوهری، احمد بن عیدالله بن عیاش، بی تا، *مقتضب الأثر فی النص علی الائمة الاثنا عشر*، قم، مکتبه الطباطبائی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسة آل‌البت ع.
- حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.

- حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی، ۱۴۰۷ ق، *تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة*، قم، مدرسة الامام المهدي عليه السلام.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ ق، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- خرماهی، بهاء‌الدین، ۱۳۸۱، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران، دوستان.
- خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۱ ق، *الهدایة الكبرى*، بیروت، مؤسسة البلاغ.
- خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۳ ق، *معجم رجال الحديث*، نجف، مرکز النشر الثقافة الاسلامیة.
- رازی، ابوالفتح، ۱۳۷۰، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- زرکلی، خیرالدین، ۱۹۸۹ م، *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، بیروت، دار العلم للملایین.
- زینلی، غلامحسین، ۱۳۸۸، *دوازده جانشین؛ پژوهشی در باب احادیث خلفای اثنا عشر*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۹۱، *تفسیر صحیح آیات مشکله، تنظیم هادی خسروشاهی*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سیوطی، جلال‌الدین، بی تا، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دار المعرفة.
- شریعتی، محمدتقی، ۱۳۸۵، *خلافت و ولایت در قرآن و سنت*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۳۶۴، *الملل و النحل*، تحقیق محمد بدران، قم، الشریف الرضی.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۴۲۱ ق، *منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام*، قم، مؤسسه السيدة المعصومة علیها السلام.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۲، *الخصال*، تعلیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر نشر اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مکتبه النشر الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ ق، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۵ ق، *المستترشد فی إمامة امیر المؤمنین علیه السلام*، تحقیق احمد محمودی، قم، مؤسسه الواصف.

- طهرانی، آقابزرگ، ۱۴۰۳ ق، *الذريعة الى تصانيف الشيعة*، بيروت، دار الاضواء.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، *تهذيب الأحكام*، تحقيق سيد حسن موسوی خراسان، تهران، دار الكتب الاسلامية.
- _____، ۱۴۱۱ ق، *كتاب الغيبة*، تحقيق عبدالله طهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية.
- _____، ۱۴۱۷ ق، *الفهرست*، تحقيق جواد القيومی، قم، مؤسسة نشر الفقاهة.
- _____، بی تا، *التبيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- عاشور، سيد علی، ۱۴۲۰، *الولاية التكوينية لآل محمد ﷺ في قوسى النزول و الصعود*، بيروت، بی تا.
- عاملی بیاضی، علی بن یونس، ۱۳۸۴، *الصراط المستقیم الى مستحقى التقديم*، تصحيح و تعليق محمدباقر بهبودی، نجف، مكتبة المرتضوية.
- فتال نیشابوری، محمد بن فتال، بی تا، *روضه الواعظین*، قم، منشورات الرضى.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو، ۱۳۸۴، *وجه دين*، تهران، اساطير.
- قمی، محمد طاهر، ۱۴۱۸ ق، *الأربعین في امامة الائمة الطاهرين*، تحقيق سيد مهدی رجایی، قم، محقق.
- کریمی جهرمی، علی، ۱۴۱۲ ق، *الدر المنضود في احكام الحدود*، تقرير ابحاث السيد محمدرضا گلپایگانی، قم، دار القرآن الکریم.
- مازندرانی، مولی محمد صالح، ۱۴۲۱ ق، *شرح اصول الکافی*، با تعليقات ميرزا ابوالحسن شعرانی، تصحيح سيد علی عاشور، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار ﷺ*، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- مرتضی عاملی، سيد جعفر، ۱۴۲۵ ق، *مختصر مفيد (اسئلة و اجوبة في الدين و العقيدة)*، بيروت، مرکز الاسلامی للدراسات.
- مرتضی عاملی، سيد جعفر، ۱۴۲۶ ق، *الصحیح من سيرة النبي الأعظم ﷺ*، قم، دار الحديث.
- مرعشی تستری، قاضی نورالله، ۱۴۰۹ ق، *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم: مكتبة آية الله المرعشی النجفی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *الاختصاص*، قم، کنگره شیخ مفید.

- _____، بی تا، *جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة*، بی جا، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۳، *آیات الولاية فی القرآن*، قم، *مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیهم السلام*.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، ۱۴۰۷ ق، *اسماء مصنفی الشيعة؛ المشتهر برجال النجاشی*، تحقیق سید موسی شییری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- نعمانی، ابن ابی زینب، ۱۴۲۲ ق، *کتاب الغیبة*، قم، انوار الهدی.
- نمازی شاهرودی، علی، ۱۴۱۴ ق، *مستدرکات علم رجال الحديث*، تهران، ابن المؤلف.
- نووی، محیی الدین بن شرف، بی تا، *المجموع شرح المذهب*، بیروت، دار الفکر.
- هندی، میرحامد حسین، ۱۳۶۶، *عقبات الأنوار فی إثبات إمامة الأئمة الأطهار*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علیهم السلام.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، *تاریخ اليعقوبی*، بیروت، دار صادر.

ب) مقاله‌ها

- پویازاده، اعظم و معصومه آگاهی، ۱۳۸۹، «تأویل از دیدگاه شیعه دوازده امامی»، *قرآن پژوهی خاورشناسان*، ش ۹، ص ۱۴۸ - ۱۱۹، قم، مرکز تحقیقات قرآن کریم مهدی علیهم السلام.
- رحمتی، محمد کاظم، ۱۳۸۵، «حسین بن حمدان و اهمیت وی در تکوین نصیری»، *هفت آسمان*، ش ۳۰، ص ۲۰۸ - ۱۷۳، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- شریعتی سبزواری، محمدباقر، ۱۳۸۸، «امامان دوازده گانه در قرآن و سنت»، *انتظار موعود*، ش ۳۰، ص ۲۶ - ۵، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، ۱۳۸۴، «حسین بن حمدان خصیبه و کتاب الهدایة الكبرى»، *تشریه طلوع*، ش ۱۶، ص ۴۶ - ۱۵، قم، مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیهم السلام.
- فرایمن، ارون، ۱۳۸۶، «زندگینامه حسین بن حمدان خصیبه، بنیانگذار فرقه نصیری - علوی»، *هفت آسمان*، ترجمه محمدحسن محمدی مظفر، سال نهم، ش ۳۳، ص ۱۷۰ - ۱۳۷، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- نیومن، اندرو جی، ۱۳۸۶، «دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی»، *گفتمان حدیثی قم و بغداد*، ترجمه مهدی ابوطالبی و دیگران، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانیت